

# استاد ایلیا «میم» رام الله

در این شماره می خوانید :



۱. سخن آغازین



۲. نظریه نگاه خلاق



۳. تکنیکهای موفقیت



۴. باغبان الهی

## فهرست مطالب



سخن آغازین  
۳



نظریه نگاه خلاق  
۴



تکنیکهای موفقیت  
۸



باغبان الهی  
۱۲



# «بایست و بدان کیستی؟»

استاد ایلیا میم

اکثر سردرگمی های بشر امروز در زندگی، نشانه آن است که او پاسخی در خور برای سوال «من کیستم» ندارد. او همواره میان آنچه دنیای درونش از او طلب می کند و آنچه دنیای بیرون به او ارزانی می دارد سرگردان است چرا که تلاش بیشتر برای بهبود زندگی بیرونی، به افزایش کیفیت آنچه دروناً تجربه می کند کمکی نمی کند. درونی ترین بخش وجود هر انسان که در خلوت ترین لحظات با آن ارتباط می گیرد و می توان گفت پایگاه همه تب و تابها و بی قراری ها و نارضایتی ها و اشتیاق ها، خواسته ها و نیازها و رؤیایها و آرزوهاست، برای رسیدن به رضایت و آرامش هر چه بیشتر خود را با دنیای بیرون درگیر می کند ولی آنچه به بشر امروز ثابت شده این است که خرسندی و خوشبختی این بخش از وجود انسان بر اساس آنچه که در دنیای بیرون نصیب او می شود قابل ارزیابی نیست، در واقع تا زمانی که رخدادهای بیرونی به گونه ای نتوانند این بخش درونی را به غایت رضایت برسانند، بی قراری او پایان نمی یابد. برای رفع این سردرگمی راه بهتر آن است که میان دنیای درون و بیرونش پیوندی موثر ایجاد کند؛ بلکه بفهمد برای چه به این دنیا آمده، بعد از این به کجا خواهد رفت و راههای گذر موفق از میدانهای زندگی کدامند. در بخشی از این تلاش، او باید پاسخی برای

این سوالات اساسی بیابد که چه ارتباطی میان جهانهای بیرون و درون وجود دارد و من برای برقراری پیوند بین آنها چه باید بکنم؟ بینش ها و اعمال من در جهان بیرون به چه شکل بر دنیاهای درونم تاثیر می گذارد؟ و شیوه های موفقیت در میدانهای پررقابت بیرونی و درونی کدامها هستند؟

شاید به همین دلیل است که او در هیاهوی دنیای بیرون، گوش ها و چشم ها را باز می کند و به سراغ هر موضوع جذابی می رود تا بتواند معمای من کیستم، پازل اصول موفقیت و سوالات پیرامون آن را حل کند.

در پاسخ به این نیاز همیشگی، ما سعی خود را بکار خواهیم گرفت تا بر اساس تعالیم آموزگار بزرگ تفکر و معلم علوم باطنی، استاد ایلیا «میم» رام الله، هماهنگ با دنیای بیرون، پیامهای درون را به شما برسانیم.

در این راستا، مجموعه حاضر به تلاش جمعی از شاگردان ایلیا «میم» در خارج از کشور و بصورت نشریه الکترونیک، با هدف بازگشت به معنویت و احیای حقیقت گرایی پا به عرصه انتشار گذاشته است.

از نظر ما، هنر در بستن چشم ها، گوش ها و دهان ها نیست، هنر در وادار کردن دیگران به تقلید کورکورانه و بدون فکر

نیست، هنر در پیشه کردن شعار «مرگ بر همه و درود بر من» هم نیست؛ بلکه در فعال کردن ذهن ها، گشودن درها و رساندن پیام های انسان ساز به زبانی ساده و موثر است. هنر در اعطای حق انتخاب، مهربانانه عمل کردن و کمک به هموعان برای دستیابی به کلیدهایی است که چشمه جوشان حقیقت را در روح بشر احیا و گذر موفق از میدانهای پر خطر زندگی را میسر می کند.

اساس مطالب در نشریات الکترونیک سایت استاد ایلیا «میم»، بر شناخت روش های متعالی در دنیای ظاهر و باطن است؛ چنانکه هر کسی بتواند خود به کشف پاسخ سؤال من کیستم برسد. پرداختن به این پرسش دری برای اتصال به شعور خلاق هستی می گشاید که منشا خلاقیت، شفا، موفقیت و رشد آگاهی در انسان است.

سعی ما بر این است که با جذاب ترین شیوه ها، پیامی حرکت دهنده را از مرزهای فیلترینگ اینترنت در ایران به شما مشتاقان برسانیم. شنیدن صدای ما را با فرستادن نظرات و پیشنهادهاتتان به ما اعلام کنید تا بتوانیم محیطی هم افزا برای احیای حقیقت در بین خود ایجاد کنیم. نظرات شما، ما را در انتخاب مطالب و بهتر کردن کیفیت شماره های بعد یاری می کند.

گردانندگان سایت استاد ایلیا «میم» رام الله  
واحد برون مرزی

# نظریه نگاه خلاق<sup>۱</sup>

(برگرفته از فیلم گزارش مستند از زندگی ایلیا «میم»)

بر اساس نظریه نگاه خلاق «اگر کسی نگاهش به خدا این باشد که خدا دعای او را مستجاب می کند اگر چه در یک لحظه هزار چیز را بخواهد، خداوند همانطور رفتار خواهد کرد و اگر انتظار کسی از خدا این باشد که مثلاً خداوند رابطه عمیق تری نسبت به فلان قدیس، با او داشته باشد، پس همینطور خواهد شد و خداوند به انتظار او جواب می دهد و این فارغ از آنست که فرد کیست، چه مذهبی باشد چه نباشد...» (ایلیا.م)



همانطور بر ما آشکار می شود که آمادگی اش را داریم و همانطور آن را می یابیم که امکان یافتنش را داریم. این نظریه که یکی از بنیانهای بینشی ام بوده است منشأ اندیشه های بسیاری شده است. منظورم از نگاه، چیزی فراتر از باور است. گاهی ما چیزی را باور داریم اما واجد نگاه آن نیستیم. نگاه از جنس باور نیست، از جنس تلقین نیست بلکه از جنس بینش است... ادراک و آگاهی است. در درون خود دیدن است... حالا که یکی از الفبای زندگی ام، اصل نگاه خلاق شد، بخشی از جهان بینی ام هم بر اساس همین اصل تغییر کرد. با این مبنا وصفی که از خدا داشته ام اینطور بوده که تجربه انسان از خدا متناسب است با نگاه و اندیشه هایی که او درباره خدا دارد. نمی دانم که آیا از دیدگاه شریعت این نظر درست است یا خیر؟ البته ما در متن دین هم آیات و احادیثی داریم که مشابه این

«اعمال و رفتار و گفتار انسان، انعکاس اندیشه های اوست و اندیشه، محصول بینش ها و بینش ها تابع نوع نگرش ها یا بنیادهای بینشی ماست. پس برای آنکه کسی را بشناسیم اگر بتوانیم به بنیادهای بینشی او که عمیق تر از بینش ها و اندیشه های اوست نگاه کنیم، راه کوتاه تری را انتخاب کرده ایم. در این سالها، بعضی از بنیادی ترین بینش هایی که داشته ام و برخی از اصولی که بر اساس آنها نگاهها و اندیشه هایم به وجود آمده، اینها بوده اند: اصل نگاه خلاقه. نسبی گرایی و عدم مطلق گرایی. اصل هماهنگی. عدم قطعیت. امکان پذیری نامحدود. کوانتوم. اثر مشاهده شونده. ارتباط میدان ها، ضد میدان ها و فرامیدان. کثرت گرایی و تنوع گرایی (پلورالیزم). تعیین کنندگی کلام. میزان بودن شعور و قوانین آگاهی. سطوح هفتگانه و سه گانه. فرمول ها و ضد فرمول ها. زندگی فراگیر و جهان زنده. نظریه ابرریسمانها. اصل هولوگرام. واقعیت جهانهای موازی و اصول دیگر. از اولین آن شروع می کنم، از نگاه خلاقه. اما حتی اگر بخواهم یکی از اینها و نتایج آن را شرح دهم برای هر یک اقلای یک کتاب پر حجم باید نوشت. پس فقط به آن اشاره می کنم. در سالهایی که گذشته، شناختم از خدا بر این مبنا بوده که حقیقت همانطور تجربه می شود که به آن نگاه می کنیم،

۱- انتخابی از متن بینش های بنیادی و بنیادهای بینشی در بیان نظریه نگاه خلاق. به

بیان استاد ایلیا رام الله. برگرفته از آمین یک.





بلکه همه زندگی. شریعت می گوید ارتباط مستقیم با خدا به انبیاء اختصاص دارد اما نگاه خلاقه می گوید اگر کسی بتواند همان نگاه انبیاء را به خدا داشته باشد، همان ارتباط را با خدا تجربه خواهد کرد و حتی اگر عمق و وسعت این نگاه از بینش انبیاء بیشتر باشد، پس ارتباط او با خدا از آنها هم عمیق تر و خوبتر است. معنای این اندیشه آن است که ممکن است هنوز هم همچنان خداوند مانند گذشته با انسانها ارتباط بسیار مستقیم و نزدیکی داشته باشد. و همانطور که با همه پیامبران خود در ارتباط بوده، با انسانهای دیگر هم در ارتباط مستقیم باشد. این به معنای امتداد پیامبری نیست، نظر شخصی هم نیست. به این معناست که هر انسانی می تواند با خداوند، رابطه زنده و حقیقی و پاسخ یاب داشته باشد. حتی ممکن است رابطه او از رابطه بسیاری از انبیاء گذشته نیز با خداوند عمیق تر و زنده تر باشد.<sup>۴</sup>

نگاه خلاقه می گوید خداوند می تواند و بلکه کاملاً ممکن است همان کارهایی را که ظاهراً برای انبیاء و بزرگان دین انجام داده است برای هر انسان دیگری که آنطور خدا را نگاه کند و مانند آنان درباره خدا بیندیشد تکرار کند اما شرع، آن معجزات را مختص آن بزرگان می داند...

## نگاه خلاقه می گوید هر چقدر بتوانی ببینی، همان قدر هستی، هر چه ببینی، همان هست...

(ایلیا.م)

آن می گوید دیگر کسی قادر نیست مانند آن بزرگان باشد اما نگاه خلاقه می گوید هر چقدر بتوانی ببینی، همان قدر هستی، هر چه ببینی، همان هست...

این نظریه های بنیادی در همه ابعاد زندگی و در لحظه به لحظه آن حرفی برای گفتن و روشی برای زیستن دارند بنابراین ممکن

را می گوید مثلاً آنجا که می فرماید: ای فرزند آدم من برای تو همان هستم که درباره ام می اندیشی یا در مواردی که در دین، انسان، پرهیز داده شده از گمان بد درباره خداوند و تشویق شده به حسن ظن درباره او. طبق اصل نگاه خلاقه، نگاه انسان به خدا هر چه باشد، خداوند همانطور بر او آشکار می شود. نه فقط خدا بلکه نگاه انسان به خودش، به جهان، به اشیاء، به سرنوشت و احتمالات، هر طور که باشد، این نگاه، تعیین کننده بوده و محصول تجربی مشابه خود را پدید می آورد.<sup>۲</sup>

پس اگر کسی نگاهش به خدا این باشد که خدا دعای او را مستجاب می کند اگر چه در یک لحظه هزار چیز را بخواهد، خداوند همانطور رفتار خواهد کرد و اگر انتظار کسی از خدا این باشد که مثلاً خداوند رابطه عمیق تری نسبت به فلان قدیس، با او داشته باشد، پس همینطور خواهد شد و خداوند به انتظار او جواب می دهد و این فارغ از آنست که فرد کیست، چه مذهبی باشد چه نباشد. حالا این احتمال پیش می آید که ممکن است نسلی از انسانها پدید بیاید که تجربه آنها از خدا و از هستی بسیار کاملتر و عمیق تر و گسترده تر از حتی بعضی از بزرگان و بعضی از انبیاء باشد. یا آیا ممکن است هر کسی که بخواهد معجزه گر شود چون به فرض، نگاهش به خدا همین است و او خدای خود را خدایی معجزه گر و پاسخ دهنده به دعاها می بیند، این اتفاق واقع شود؟ پاسخ من به این سوالات و مشابه آنها بله بود.<sup>۳</sup> قانون نگاه خلاقه همه حدود را قراردادی فرض می کند بنابراین همه حدود و مرزها را قابل عبور می داند. نگاه خلاقه می گوید انسان می تواند هر طور که بخواهد خدا را تجربه کند. می گوید هر کس خدای خود را دارد و با این حال خدا یکی است. این اصل بیان می کند که ما می توانیم تعیین کننده تجربه خود از خدا باشیم و تعیین کنیم خداوند چگونه در زندگی ما ظاهر شود. اما آیا شرع، چنین چیزهایی را مردود می داند یا تأیید می کند؟ شریعت دارای حدود و بلکه یک وجه اصلی آن همان حدود است و برای اکثر چیزها حد کاملاً معلومی را تعیین می کند اما نگاه خلاقه می گوید همه چیز می تواند نامحدود باشد، هر تجربه ای، هر دریافتی، هر ارتباطی، هر دانش و هر قدرتی و

۲- انجام امری را امکان ناپذیر انگاشتن، امکان ناپذیر گردانیدن آن است. مثل فرانسوی

۳- امام باقر علیه السلام: هیچ خواسته ای را زیاد مشمارید؛ زیرا آنچه نزد خداست بیش از آن است که می پندارید.

۴- مشابه این مضمون در احادیث مختلفی به چشم می خورد از جمله در آنجا که رسول خدا (ص) اشاره می فرماید برخی از دانایان امت من از انبیاء بنی اسرائیل نیز برترند. یا این اعتقاد اهل تشیع که مقام امامان را از بسیاری از انبیاء پیشین بالاتر می داند. (و)



است در نقاط متعددی این نوع سوالات پیش بیاید، مثلاً درباره انسان.

دین تعریف مشخصی از انسان دارد اما تنوع توصیفی که نگاه خلاقه از ماهیت انسان و جهان ارائه می‌دهد آنقدر زیاد است که می‌توان گفت به تعداد نگاههای انسانها در طول تاریخ، می‌توان تعریفی از ماهیت انسان ارائه داد. شریعت می‌گوید فقط خداوند نامحدود است اما نگاه خلاقه می‌گوید اگر نگاه انسان متوجه بی‌نهایت شود، اگر تعریف انسان از من کیستم خودش نامحدود باشد، انسان هم می‌تواند نامحدود باشد، به خداوند بیبوند و بر همه حدود غلبه کند...


یک دیدگاه دینی این است که سرنوشت انسان مقدر است و از قبل معلوم شده است ولی اصل نگاه خلاقه می‌گوید سرنوشت انسان زاییده بینش‌ها و نگاههای اوست. محصول اندیشه‌ها و کلام اوست. متأثر از اعمال و رفتار اوست. پس با تغییرات این نگاه، خواست خدا هم تغییر می‌کند. طبق این اصل، تجربیات زندگی ما شبیه آب هستند که در ظرفهای مختلف ریخته می‌شوند و به شکلهای مختلف در می‌آیند. این ظرف، نگاه و بینش انسان است. واقعتهای زندگی ما را بینش‌ها و اندیشه‌های ما شکل می‌دهند. آنچه در بیرون تجربه می‌کنیم انعکاسی است از آنچه در درون خود داریم.

زندگی انسان زاییده شعور اوست و آنچه در درون اوست، در بیرون او نیز هست. سرنوشت تصویر آگاهی و نگاههای انسان است و سکان تغییرات زندگی انسان، تغییر آگاهی اوست. این اصل می‌گوید علت اصلی مسائل و رنج‌های انسان، ناآگاهی و نگاه اشتباه است. بنابراین می‌گوید اگر می‌خواهی وضعیت خودت یا کسی را تغییر بدهی، نگاهت

را دگرگون کن. اندیشه‌هایت را تغییر بده و بنابراین اعمال و رفتارت را عوض کن. اگر می‌خواهی مسائلت را حل کنی، آگاهی‌ات را اصلاح کن. هر چه می‌خواهی بشوی، در نگاهت آن را دریاب، آن گاه واقع می‌شود. واقعیت همان است و همان می‌شود که تو می‌بینی پس تو می‌توانی با تغییر شعور و آگاهی‌ات همه چیز را تغییر دهی و می‌توانی با نگاه و بینش درونی‌ات، واقعیت را و تجربه‌ات را از زندگی، دگرگون کنی...

در بعد اجتماعی تغییرات فرهنگی عمیق و گسترده را ضروری می‌دانستیم. تا خودآگاهی یک ملت تغییر نکند، اوضاع آنها هم تغییری نمی‌کند پس هیچ تغییری پایدار و واقعی نیست مگر بر مبنای تغییر آگاهی و بینش‌های انسان باشد...»

منبع: کتاب آمین. ایلیا؛ خدا با من است.  
(پیوست یکم کتاب تعالیم حق)



حدود تو در نگاه توست  
و آنچه بینی واقع شدنیست.

استاد ایلیا «میم»

«موفقیت را در طول زمان می‌توان تعریف کرد نه در هر نقطه از طول زمان. هر کار موفق حاصل توافق مثبت جهانهاست.»

استاد ایلینا «میم»

## تکنیک های موفقیت



شما تاچه اندازه خود را انسان موفق می‌دانید؟ درنظام فکری و باور شما موفقیت چه جایگاهی دارد؟ آیا تا کنون نظام فکری خود را بررسی کرده‌اید تا ببینید موانع ذهنی و فکری شما برای دستیابی به کامیابی چه هستند؟ تا چه حد با نظام فکری افراد موفق آشنا هستید؟

بدیهی است پیرامون علم موفقیت، سئوالات زیادی وجود دارد و بیشتر کتب موفقیت ضمن طرح دیدگاه خود و پاسخ دادن به سئوالات سعی دارند روشی کاربردی نیز برای موفقیت ارائه دهند. بسیاری از آنها روش مورد نظر را به شکلی منظم و گام به گام، تجزیه و تحلیل کرده و در پایان تمرین‌هایی را به خواننده توصیه می‌کنند. دراین فرصت کوتاه قصد نداریم این روش‌ها و تمرین‌ها را بررسی و تحلیل کنیم، بلکه بیشتر در پی آنیم که دریابیم اندیشمندان و نظریه پردازان درباره موفقیت چه می‌گویند و کلیات روش‌هایی که ارائه داده‌اند چه می‌باشد؟ بدیهی است شما پس از آشنایی با

مجموعه‌ای از الگوهای اساسی، کامل و بی‌وقفه را به کار گرفته و درونی کنیم.<sup>۱</sup>

– آنچه را به صورت اندیشه، احساس، تصاویر ذهنی و کلام از خود ساطع می‌کنیم، همان را به سوی زندگی مان می‌کشانیم. اندیشه‌هایی که پیش از این در سرداشته‌ایم، وضعیت کنونی ما را آفریده‌اند. اندیشه‌های امروزمان نیز فردای ما را می‌آفرینند. اگر به موفقیت بیندیشیم، فردا موفق خواهیم شد.<sup>۲</sup>

– موفقیت، گسترش مداوم شادمانی و تحقق فزاینده اهداف ارزشمند،

نظریه‌ها و روش‌ها، می‌توانید روش مورد نظر و متناسب با خود را انتخاب و دنبال کنید و در مقالات بعدی با جزئیات و کاربرد آنها بیشتر آشنا شوید.

اینک ببینیم «موفقیت» یعنی چه واز دید نظریه پردازان مختلف چه معنایی دارد؟ حتما می‌دانید تعاریف متعدد و متنوعی از موفقیت مطرح شده که ممکن است به ظاهر متفاوت، به نظر برسند یا برخی از آنها را بیشتر هماهنگ با خود بدانید. مهم‌ترین یا شاید معروف‌ترین این تعاریف عبارتند از:

– موفقیت یک «عادت» است. این عادت، زمانی واقعی و پایدار می‌شود که

۱- آنتونی رابینز، بسوی کامیابی

۲- کاترین پاندر





با سهولت و بدون تکاپوست.<sup>۳</sup>

- رمز موفقیت در انجام کاری است که برای ما جاذبه داشته و آسان باشد.<sup>۴</sup>

- موفقیت یعنی رسیدن به هدف، بخصوص اگر با شجاعت، مهارت و تلاش حاصل شده باشد.<sup>۵</sup>

- مهم‌ترین رمز موفقیت ایمان است. به یقین ذهن آدمی آنچه را که باور کند به منصفه ظهور در خواهد آورد؛ بنابراین ضرورت دارد که به خود و آنچه انجام می‌دهیم ایمان داشته باشیم.<sup>۶</sup>

برخی نظریه پردازان نیز شکست را بررسی می‌کنند و معتقدند با خودداری از قرارگرفتن در حالات شکست، می‌توان به موفقیت دست یافت. شکست از دیدگاه آنان ممکن است در یکی از این سه حالت رخ دهد:

۱- هدف ما معین و مشخص است ولی روش غلطی برای رسیدن به آن هدف انتخاب کرده‌ایم. ۲- تلاش فراوان کرده و کلیه امکانات را به کار می‌گیریم اما هدف برایمان نامشخص است. ۳- نه هدف مشخص داریم و نه تلاش موثری صورت می‌دهیم. نظر شما درباره موفقیت چیست؟ درباره شکست چگونه می‌اندیشید؟ اغلب ما باورهای نادرستی درباره موفقیت داریم، باورهایی که به جای پیروزی، ما را به سمت شکست سوق می‌دهند و به دلیل وجود این باورها به جای پیش‌روی، درجا می‌زنیم و با بهانه‌هایی نظیر اینها، موفق نشدن خود را توجیه می‌کنیم: - چون افراد خانواده من موفق نیستند

من هم موفق نخواهم شد.

- تجربه و سن لازم را ندارم.

- تحصیل کرده و باهوش نیستم.

- موفقیت به شانس و خوش اقبالی مربوط می‌شود.

- قدرت و توانایی رسیدن به هدف را ندارم.

- شکست خیلی وحشتناک است.

- سرمایه و پشتیبان ندارم.

- استعداد و کارایی ندارم.

- دیگر از من گذشته است.

چنین باورهایی، نه تنها اسباب عدم موفقیت ما را فراهم می‌کنند، بلکه حتی تلاش برای تغییر خود و شرایط را نیز، بی حاصل جلوه می‌دهند. اینک سعی کنید باورهای مهم و اساسی خود را در زمینه موفقیت فهرست و ارزیابی کنید. ببینید کدام‌ها سازنده و کدام‌ها مخربند؟ آیا لازم است در نظام باورهای خود و پالایش آنها از باورهای کاذب و گمراه کننده تجدید نظر کنید؟ شاید لازم باشد نقاط حساس و کلیدی مقاومت در برابر موفقیت و توانگری را بشناسیم و با غلبه بر آنها نگرش خود را اصلاح کنیم. به یاد داشته باشیم که زندگی ما، جلوه‌گاه افکار و باورهای ماست. امواج فکری منفی، رویدادهای منفی و امواج فکری مثبت، وقایع مثبت را به وجود خواهند آورد.

### روش‌های متعارف موفقیت

اکثر نظریه‌ها برای دستیابی به موفقیت و اجتناب از شکست

روش‌هایی را توصیه می‌کنند که مهم‌ترین آنها بشرح زیر می‌باشند.

الف - مدیریت زمان

مدیریت زمان یعنی صرف وقت در جهت انجام کارهایی که ارزشمند هستند و یا ما را در جهت تحقق اهدافمان یاری می‌دهند. برای مدیریت بهینه زمان و پرهیز از اتلاف وقت، می‌بایست اولاً

### به یاد داشته باشیم که زندگی ما، جلوه‌گاه افکار و باورهای ماست. امواج فکری منفی، رویدادهای منفی و امواج فکری مثبت، وقایع مثبت را به وجود خواهند آورد.

اهداف و ارزش‌های خود را مشخص کنیم و ثانیاً از اهداف و ارزش‌های خود به طور کامل پیروی کنیم. برای این کار، می‌توان بسیاری از کارهای متعارف روزانه را به صورت عادت درآورد و به طور خودکار انجام داد برخی از کارها را می‌توان تجزیه کرد، به درخواست‌های نامقبول یا ناهماهنگ دیگران جواب منفی داد، زمانی را به برنامه‌ریزی اختصاص داد، از کمال‌گرایی اجتناب کرده و قاطعانه به امور رسیدگی کرد.

ب - مشخص کردن اهداف بدون مشخص کردن هدف، نمی‌توان

۳- دیپاک چوپرا، هفت قانون معنوی موفقیت

۴- هنری فورد، توانگران چگونه می‌اندیشند، اثر آلبرت پویسانت

۵- نورمن وینسنت اپیل

۶- پویسانت، توانگران چگونه می‌اندیشند



و روان‌شناسی موفقیت به سهولت امکان‌پذیر خواهد بود. در شماره‌های بعدی مطالب کاملتری درباره راه‌های عملی و گام به گام هر روش را در اختیار خوانندگان عزیز خواهیم گذاشت.

برگرفته از نشریه علم موفقیت شماره ۴  
تالیف: ر. خوشابی

**اگر تصمیم قاطع باشد،  
همیشه راهی به سوی  
موفقیت هست.**

سایر روش‌های تسهیل‌کننده دستیابی به کامیابی عبارتند از:  
ه - رهایی از اضطراب و نگرانی.  
و - غلبه بر استرس و افسردگی.  
ز - ترک عادات نامطلوب.  
ح - برقراری روابط انسانی مطلوب.  
ط - رفتار صحیح با جسم و روان (غلبه بر بی‌خوابی و تنظیم عادات خوب خوردن)  
س - حل مشکلات و مسائل زندگی و روبه‌رو شدن با آنها به جای ساده‌انگاری یا گریز.  
انجام کلیه روش‌های فوق با تفکر و استفاده از راه‌های متعارف حل مسئله

به آن دست یافت. اغلب، هدف ما مبهم یا غیرواقعی است. با گروه‌بندی و تعیین اولویت هدف‌ها، می‌توان براحتی برنامه رسیدن به هر هدف را تنظیم کرده و سپس عمل نمود. میزان موفقیت در هر هدف در زمان‌های مشخص قابل ارزیابی است، اگر از مسیر صحیح و برنامه تعیین شده خارج شده باشیم با ارزیابی می‌توان مجدداً مسیر صحیح را برگزید.


ج - تصمیم‌گیری

تنها راه تغییر زندگی، گرفتن تصمیم حقیقی است. در نهایت، آنچه سرنوشت و آینده ما را می‌سازد، تصمیم‌های ماست. اگر تصمیم قاطع باشد، همیشه

راهی به سوی موفقیت هست. در زمینه تصمیم‌گیری، در شماره‌های آینده مطالب ارزنده‌ای ارائه خواهد شد.

د - افزایش اعتماد به نفس و عزت

نفس و تصحیح «خود‌پنداره»  
اعتماد به نفس، احساسی است که نسبت به توانایی‌های خویش داریم. عزت نفس نیز ارزشی است که بر خود می‌نهیم. هر دو اینها تا حدود زیادی تحت تاثیر خودپنداره ما قرار دارند. «خودپنداره» که اغلب از آن نا آگاهییم، تحت تاثیر آموزش‌های والدین و مربیان و اندیشه‌های ما می‌باشد. اکثر نظریه‌های موفقیت بر تغییر «خود



زندگی انسان چیزی جز ارتعاشات او نیست و ارتعاشات، حاصل اصوات ماست.  
اصواتی که در ذهن و قلب انسان جریان دارد. اگر این اصوات الهی شود و نامهای خداوند باشد،  
زندگی انسان هم الهی و متعالی می شود.

استاد ایلینا «میم»  
کتاب جریان هدایت الهی

## باغبان الهی

خداوند در وجود انسان دانه‌ای کاشت. دانه‌ای که همه‌ی اسرار خلقت در آن نهفته شده و قدرت و نور خداوند در آن پنهان است. خداوند متعال، روح پاک خود را در وجود انسان نهاد. روح خداوند همان دانه است. روح خدا از او جدا نیست. مانند نور خورشید که از خورشید جدا نیست...

امانتی بود که خداوند به کوه و جنگل و دریا، بر زمین و آسمان عرضه داشت و آنها از عظمت این امانت الهی به لرزه و وحشت افتادند و توان پذیرش آن را در خود ندیدید و لا جرم آن را نپذیرفتند. این انسان بود که امانت بزرگ خداوند را پذیرفت و خواهان دریافت آن شد...



خداوند روح خود را در انسان دمید و قلب خود را در انسان نهاد. وجود انسان مانند زمینی است که خداوند، روح و نور خود را در آن کاشته.

اما این زمین، این ذهن و دل، این جان، حاصلخیزی خود را از دست داده، دانه‌ای در آن نمی‌روید. زمین وجود، پراز علف‌های هرز ترس‌ها و تردیدهاست. پراز سنگ‌های مقاومت و شرطی‌شدگی است. این زمین، نامساعد است، دیگر دانه‌ای در آن نمی‌روید.

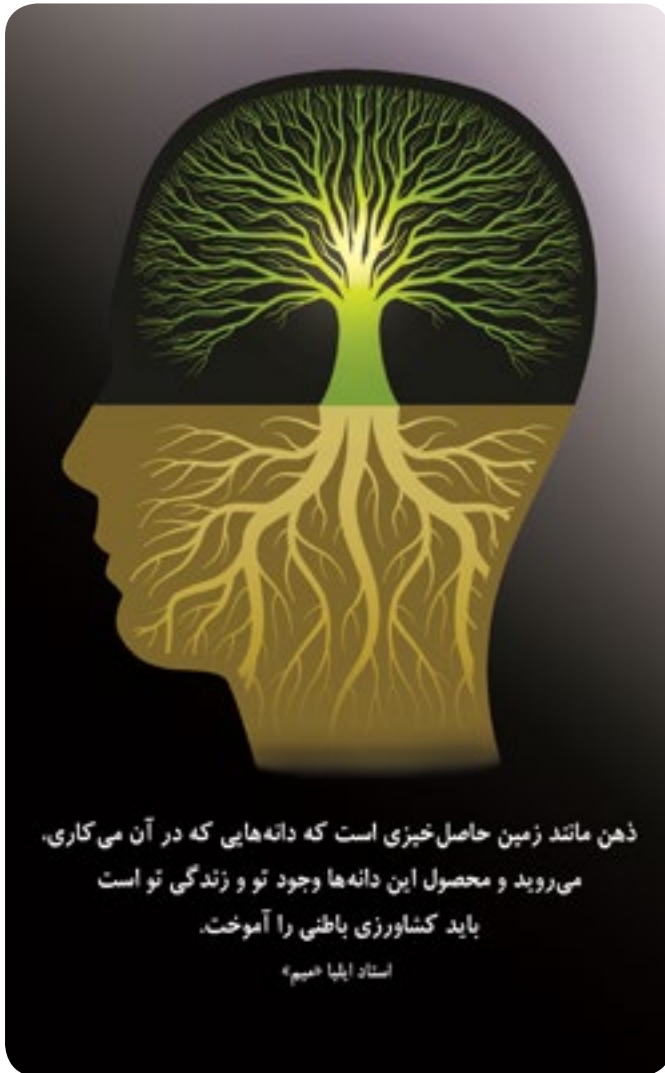
آنقدر آب به آن نرسیده که مرده یا حداقل نیمه جان است. به کویری مبدل شده، دانه‌ای که در این زمین است، دارد می‌میرد (هر چند روح خداوند جاودانه است و مرگ در آن راهی ندارد) یا حداقل برای ما مرده محسوب می‌شود...

دانه باید شکوفا شود تا مأموریت الهی انسان به انجام برسد، اگر دانه شکوفا شود او در انسان ظهور کرده و وصل به خداوند تحقق یافته است.

اما بدا به حال ما اگر نگذاریم که دانه شکوفا شود. در این صورت، عذاب الهی و لعنت خداوند، زندگی ما را برای همیشه احاطه خواهد کرد. وای بر حال ما اگر این امانت بزرگ را، قلب خداوند را به او بازگردانیم و یا در حالی که بیمار یا مرده است آن را بازپس دهیم. این عزیزترین نزد خداوند قادر و قهار است. اگر این امانت عزیز و دوست داشتنی خداوند را شکوفا شده به او بازگردانیم، او را بسیار شاد کرده‌ایم، او نیز شادی و سرور بی‌حد خود را به ما هدیه می‌دهد، و اگر در نگهداری این امانت بزرگ نکوشیم، عذاب و سختی از زمین و آسمانها ما را احاطه خواهند کرد تا نتیجه‌ی پیمان‌شکنی و خیانت در امانت الهی را به ما نشان دهند...

اینجا چه خبر است؟ ساده است، دانه‌هایی در زمینی نامساعد کاشته شده، زمینی فاسد و خراب (جسم، ذهن و قلب ما) نه آبی، نه نور و گرمایی، نه تغذیه‌ای...





ذهن مانند زمین حاصل خیزی است که دانه‌هایی که در آن می‌کاری،  
می‌روید و محصول این دانه‌ها وجود تو و زندگی تو است  
باید کشاورزی باطنی را آموخت.  
استاد ایلیا «سیم»

اما باغبانی مهربان، معلم الهی، از راه می‌رسد، باغبان،  
علف‌های هرز، سنگ‌ها، حشرات و کرم‌های مضر را از زمین  
جدا می‌کند، به زمین آب می‌دهد، نور می‌رساند، خاک آن را  
تقویت می‌کند و به این ترتیب دانه شکوفا می‌شود، بعد از جوانه  
زدن، باغبان باز هم این نهال را پرورش می‌دهد و نگهداری  
می‌کند تا روزی که نهال کاملاً بارور شود و به ثمر برسد...

باغبان همان استاد است که بوسیله‌ی تعالیم الهی،  
زمین نامساعد وجود ما را حاصلخیز و مستعد می‌کند،  
بوسیله‌ی انتقال جریان آگاهی و بیداری، این زمین را  
زنده می‌کند، او طبیعت الهی را در وجود ما شکوفا کرده  
و موانع ظهور عشق و خداوند را در ما از میان برمی‌دارد...

رستگاری و خوشبختی، تنها زمانی حاصل می‌شود که این دانه  
شکوفا شود. خداوند در این دانه پنهان است، دنیایی بی‌حد و مرز  
در این دانه پنهان است، بهشت حقیقی در دل این دانه نهفته شده،  
پس در شکوفایی آن بکوشید. سخت بکوشید. بسیار بکوشید...

منبع: بخش تمثیل‌ها - کتاب جریان هدایت الهی (جلد اول)



# هر چه را با ایمان بخواهی، می شود استاد ایلیا «میم»

[www.ostad-iliya.org](http://www.ostad-iliya.org)

با ما در تماس باشید :

[facebook.com/PeymanFattahi.EliaRamollah](https://facebook.com/PeymanFattahi.EliaRamollah)

[info@ostad-iliya.org](mailto:info@ostad-iliya.org)